

سخنان آقای دکتر فتح الله فرهادی درباره خانم مرضیه حدیدچی (خواهر دباغ)

امینی مورد وثوق

خانم دباغ را از نوفل لوشاتو می شناسم. در آن زمان این امر برای من که مقیم فرانسه بودم، بسیار قابل توجه بود که خانمی به سن ایشان در آن اوضاع، در اوج فعالیت بودند و همکاری می کردند. من و بعضی از برادرهای دیگر، گزارشهای مطبوعاتی روزانه ای و مصاحبه های رادیویی مربوطه را که منتشر می شد، و در دسترس بود تهیه می کردیم و چکیده آنها را از طریق خانم دباغ خدمت حضرت امام (س) می فرستادیم. ما مطمئن بودیم که تمام ترجمه هایمان بدون کم و کاست به محضر امام (س) می رسد و از این مسأله خوشحال بودیم و به ایشان کاملاً اطمینان داشتیم.

خانم دباغ کانال ارتباطی با حضرت امام (ره) در نوفل لوشاتو

حضور خانم دباغ برای جوانانی که گزارشهای مطبوعاتی تهیه می کردند، این دلگرمی را فراهم می نمود که آنها می توانند از یک کانال ارتباطی با شخص امام، رابطه ای مستقیم و مطمئن داشته باشند. همواره مجموعه اظهارات، سؤالات و واکنشهای خبرنگاران را به خانم دباغ انتقال می دادیم و ایشان هم به محضر امام (س) گزارش می کردند.

ثبت و ضبط خاطرات همزمان و مبارزین در نوفل لوشاتو

تعداد زیادی از برادران در یک اتاق کوچک (نوفل لوشاتو) استراحت می کردند. در آن مقطع، شخصیت خانم دباغ برای ما قابل تحسین بود. پس از آمدن مرحوم عراقی یک جنبه دیگر از شخصیت این خانم برای ما آشکار شد؛ چرا که خانم دباغ ظاهراً از قبل با مرحوم حاج آقا مهدی عراقی آشنایی داشتند. مرحوم عراقی شبها خاطرات سال‌های مبارزه خود را قبل و بعد از دستگیری شان نقل می کردند و خواهر دباغ نوارهای صحبت ایشان را جمع آوری نمودند.

محافظ تیزبین امام در نوفل لوشاتو

در نوفل لوشاتو برای همه ما محافظت از امام (س) مطرح بود؛ چه بسا اگر سهل انگاری انجام می گرفت و این مراقبت‌ها نبود، اتفاقاتی پیش می آمد که غیر قابل جبران می شد. یکی از وظایف اطرافیان حضرت امام (س) ملاحظه مسائل امنیتی برای حفاظت از امام خمینی (س) بود. امام (س) دو بار در روز به بیرون تشریف می بردند و برخی از آقایان که با آن حوالی آشنایی داشتند، کنترل بعضی از قسمتهایی را که مسیر تردد امام (س) بود، بر عهده می گرفتند. بخش دیگر، حجم بالای مکاتباتی بود که باید پاسخ داده می شد و یا مورد بررسی قرار می گرفت، سپس خدمت حضرت امام (س) ارائه می شد. اوایل نامه‌ها را مستقیماً به خدمت امام (س) می فرستادیم، ولی با تذکر خانم دباغ که احتمال می دادند پاکت نامه‌ها حاوی مواد منفجره و یا خطر دیگری باشند خود ایشان مسئولیت را بر عهده گرفتند. خواهر دباغ تمام بسته‌ها و نامه‌ها را شخصاً، قبل از اینکه به عرض حضرت امام (س) برسد، مشاهده می کردند. به دلیل اعتماد امام (س) به خانم دباغ، این امر به خوبی انجام می شد. ایشان در واقع خطر بزرگی را به جان خریده بودند که البته با عنایت به دوره‌های آموزشی مختلف چریکی و امنیتی که در سوریه و لبنان دیده بودند، این کار با موفقیت انجام می شد. یادم هست که خانم دباغ در تشخیص بعضی از

حرکات، نوشته ها و گفته ها عکس العمل نشان می دادند که این کار از دقت عملشان نشأت می گرفت و با توجه به سختیها و مشقات زندان و... از عهده کار به خوبی برمی آمدند. در عین حال این مسأله نشان می داد که سرکار خانم مرضیه دباغ چقدر امین خانواده شخص حضرت امام(س) بودند.

دیدن بانویی فعال و باحجاب موجب تعجب همگان

خانم دباغ با حضور مستمرشان در نوفل لوشاتو این حضور غلط را که زن محجبه به درد مبارزات سیاسی نمی خورد باطل کردند. ایشان، سهم بالایی در فرهنگ سازی و نبوغ داشتند؛ چرا که ما فقط در لبنان یا سوریه این نوع حجاب یعنی چادر را دیده بودیم. برای جمعیتی که آنجا آمده بودند و حتی به زور یک روسری به سر می کردند، دیدن یک فرد با حجاب چادری بسیار شگفت انگیز و تعجب آور بود.

تواضع در نوفل لوشاتو با وجود کسانی که می خواستند خودنمایی کنند

در ایام فعالیت در نوفل لوشاتو بعضی ها قصد داشتند به خودنمایی و خودستایی پردازند و کارها را به نفع خودشان تمام و یا به نام خود ثبت کنند. البته در این موارد، امام (س) با درایت پی به این مسأله برده و خودشان را مشغول و درگیر چنین مسائل پیش پا افتاده ای نمی کردند.

خانم دباغ به واقع فروتنی، خضوع و افتادگی به خرج می دادند و حرفی نمی زدند؛ مگر اینکه از ایشان می خواستیم و یا از دوستان دیگر مثل آقای مهندس غرضی سوابق مبارزاتی خانم دباغ را می شنیدیم. از ایشان به عنوان یک زن انتظار می رفت پس از آزادی از زندان دچار عافیت طلبی شوند، اما چنین نشده و دامنه مبارزه ایشان وسیع تر و گسترده تر شده بود.